

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

جمعه ۱۶ جولای ۲۰۲۱

فریده نوری

افغانستان

دروغ جو بایدن (Joe Biden)

منبع: فیگارو (Figaro)

خبرنگار: رونو جیرر (Renaud Girard)

تاریخ: ۱۳،۷،۲۰۲۱

مترجم: فریده نوری

رئیس جمهور امریکا به تاریخ نهم جولای ۲۰۲۱ تکرار کرد که هدف وی تکمیل نمودن خروج نظامیان امریکا تا اخیر ماه اگست می باشد، تعهدی که در اکتوبر سال ۲۰۰۱ میلادی شروع شده بود.

برای توجیه کردن این گونه خروج، خطر بسیار بزرگ باز نمودن عنقریب دروازه های کابل برای طالب ها می باشد.

جو بایدن می گوید: «ما به افغانستان نرفته بودیم تا آن کشور را دوباره آباد کنیم».

این یک دروغ تاریخی است.

جو بایدن آن را خوب میداند زیرا، در سال ۲۰۰۱ میلادی، جو بایدن یک شخص خورد و کوچک نبود که از اوضاع بی خبر باشد. وی رئیس کمسیون امور خارجی در سنا امریکا بود. در ماه جنوری ۲۰۰۲ میلادی، اولین منتخب امریکایی بود که بعد از حمله یازده سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی و سقوط رژیم طالبان به تاریخ ۱۳ نوامبر ۲۰۰۱ به نفع اتحاد شمال، به افغانستان رفت، ائتلافی که توسط CIA تمویل می شد، و پیشروی اتحاد شمال به کمک بمباردمان قوای هوایی امریکا (US Air Force) صورت گرفت.

حقیقت این است که امریکایی ها یک کنفرانس بین المللی در باره افغانستان به تاریخ پنجم دسامبر سال ۲۰۰۱ میلادی در بُن دایر نمودند و شخصی را که متحد شان یعنی اتحاد شمال برای شان پیشنهاد نمود انتخاب نمودند تا افغانستان را رهبری کند: حامد کرزی. و در محضر عام تعهد نمودند: «احیای مجدد، دیموکراسی و انکشاف» افغانستان.

برای تحقق بخشیدن به تعهد شان، امریکایی ها ناتو را نیز در ساحه آوردند. و در تمام جا ها تیم (PRT, Provincial Reconstruction Teams)، تیم های بازسازی ولایتی را مستقر ساختند.

امریکا به صد ها میلیارد دالر در پروژه های ملکی و نظامی مصرف نمودند، و انتخابات عمومی و دیموکراتیک برگزار نمودند.

چگونه باید این گونه سعی و تلاش را توضیح داد؟

بعد از این موفقیت عالی، لا اقل ظاهری، و به سرعت موجب فرار طالبان در ماه نوامبر سال ۲۰۰۱ میلادی گردیدند.

دقیقاً در آن زمان افکار محافظه کارانه نو (néoconservatrice) و یک احساس غرور که بسیار شباهت به غرور استعمار نو (Néocoloniale) بود، تسلط داشت.

در سال ۲۰۰۹ میلادی در کابل، سفیر روسیه در افغانستان ضمیر کابلوف (Zamir Kaboulov)، که نامش بسیار دقیق انتخاب شده است، به سفیر فرانسه در کابل به طور خصوصی گفته بود «اگر ما، روس ها، ناکام شدیم، به دلیل این نبوده که ما بد و غلط بودیم. اما کار بسیار دشوار و غیر ممکن بود، امریکایی ها مانند ما ناکام می شوند!». وقتی من این گفتار را برای جنرال ستتلی مک کریستل (Général Stanley McChrystal) که در آن وقت قوای نظامی غرب افغانستان را رهبری می کرد، تعریف کردم، وی این گفتار را رد نموده و صادقانه فکر می کرد که امریکا، قدرتی است که نسبت به شوروی سال های هشتاد عاقل تر است و می تواند ثبات و آرامی را در این کشور بیاورد.

یک سال بعدتر رئیس جمهور اوباما (Obama) دستور افزایش عساکر را برای افغانستان داد. اگر جو بایدن، که در آن وقت معاون رئیس جمهور امریکا بود با ازدیاد عساکر در افغانستان موافق نبود، پس چرا استعفای خود را پیش نکرد؟

چیزیکه یقینی است، که سناتور بایدن، در وقت رأی دهی، خود را مطلقاً در ردیف بزرگ بینی و محافظه کاران نوی سال های ۲۰۰۰ میلادی قرار داده بود، و همچنان جو بایدن کاملاً این لشکر

کشی بلند پروازانه ، محافظه کاران نو امریکا را اولاً بالای هندوکش و به تعقیب آن بالای میزو پوتمی (Mésopotamie) (عراق) مورد تائید قرار داد.

در مورد افغانستان جو بایدن نسبت به ترمپ، خود را زیاده تر نزدیک به افکار ترمپ یا ترامپیست (Trumpiste) نشان داد، در حالیکه در تمام کشور طالبان به تعهدات خود اعتنا نمی کنند و به گرفتن ولسوالی های دیگر اقدام می کنند، آیا لازم بود که امریکایی ها پایگاه هوایی بزرگ بگرام را ترک نمایند؟

آیا برای جو بایدن مشکل بود تا بفهمد که با تخلیه نمودن بگرام، بین اردوی ملی افغان ناامیدی و یأس خلق خواهد شد؟

آیا رهبر حزب دیموکرات، با انداختن اقلیت های قومی و زن های افغان در دام بنیادگرایان بی رحم احساس خجالت نمی کند؟

شاید برای من گفته شود که در سال ۱۹۷۵ میلادی، جمهوری خواهان امریکایی ویتنام جنوبی را برای اشغالگران کمونیست رها کردند. این درست است، اما قصر سفید آن زمان اقلماً توجیه آن را داشتند که کانگرس امریکا تمویل اردوی ویتنام جنوبی را قطع نمود. بایدن هیچ نوع معذرت برای این رها نمودن عجولانه و شتابزده ندارد: زیرا کانگرس فعلی این را تقاضا نکرده است.

امریکا بعد از آن که در اواخر سال ۲۰۰۱ میلادی، افغانستان را از مبارزان عرب بین المللی که در افغانستان مستقر شده بودند، رهایی داد، تصمیم می گرفت که در آن جا مستقر نشود، می توانست از طریق CIA به تمویل نمودن گروپ های مبارزین دوست خود یعنی اتحاد شمال ادامه بدهد و بالای پاکستان تحمیل نماید که به طالبان پناه ندهد.

اما امریکا آزادانه یک انتخاب مختلف گرفت: که عبارت بود از: «ماموریت مدنی ساختن». نمی توانیم از این نوع اقدام هر وقت دل ما خواست خارج شویم. مثال موصل در عراق نشان داد که خروج شتابزده میتواند فاجعه آمیز باشد.

افتخار، همچنین منافع دراز مدت امریکا در مبارزه علیه بنیادگرایی، دلایلی است که باید افغانستان را برای طالبان ندهند، طالبانی که بیست سال قبل آن ها را از افغانستان بیرون کردند.